

ویژگی‌های مدیریت و فرماندهی خلاق در سازمان‌های

نظامی براساس تجارب دوران دفاع مقدس

محمد رضا نوری صادق آبادی

کارشناس ارشد مدیریت آموزش



چکیده

تحلیل دوران دفاع مقدس و حماسه‌های ماندگار آن از منظر و دیدگاه خلاقیت و ابتکار و تأثیر آن بر پیروزی و کامیابی‌های عرصه‌های مختلف جنگ، زمانی تحلیل‌کننده را به حقیقت و کشف رمز و رازهای واقعی بروز خلاقیت و ابتکار عمل می‌رساند که مبانی و اصول اعتقادی که از آن به جهان‌بینی یاد می‌شود، به خوبی شناخته و موشکافی دقیق شده باشد. ویژگی‌های بارز جهان‌بینی الهی و به خصوص فرهنگ شیعه در اسلام ناب محمدی، از انسان‌ها، می‌تواند الگوها و اسطوره‌هایی ماندگار بر جای گذارد.

عرصه دفاع مقدس برگ زرینی از تاریخ سراسر افتخار انقلاب اسلامی است که در آن اراده حق تعالی به دست شایسته مردانی آهنین عزم و خستگی‌ناپذیر تحقق یابد که همه چیز خود را در طبق اخلاص گذاشته، کمر همت به بندگی خداوند بسته بودند به کارزاری حیرت‌آور تبدیل شد که سراسر خلاقیت و ابتکار بود و این همه حاصل نشد مگر به واسطه پیدا نمودن صبغه الهی که برترین رنگ‌هاست. بنابراین شناخت ویژگی‌های فرمانده کل قوا حضرت روح‌الله (ره) به

عنوان الگوی راستین و رهبر واقعی فرماندهان جنگ زاویه خوش منظری است که از این نگاه می‌توان به ویژگی‌های فرماندهان جنگ پی برد و شاخص‌های خلاقیت و ابتکار را به صورت ریشه‌ای مطالعه نمود.

شناخت ویژگی‌های رفتاری فرماندهان و مدیران جنگ که متأثر از مکتب حیات‌بخش اسلام می‌باشد، تعریف و فرایند جدیدی از خلاقیت و نوآوری را ترسیم می‌کند که با رویه‌های قبلی که سایر اندیشمندان به آن اعتقاد دارند و در کتاب‌ها و مقالات خود به آنها اشاره نموده‌اند، متفاوت بوده، باب جدیدی را در نگرش به خلاقیت فراوری ما قرار می‌دهد. فرایند خلاقیت در دوران دفاع مقدس: این فرایند مراحل دارد که می‌توان آنها را به صورت ذیل فهرست نمود:

۱- نیت ۲- توکل ۳- اعتماد به نفس ۴- تلاش و سعی وافر ۵- دعا و نیایش و پیوند با مبدأ و غایت هستی ۶- تحمل سختی‌ها و رنج‌ها ۷- استمرار در تلاش‌ها و بهره‌گیری از کلیه امکانات ۸- ناامید نشدن و اعتقاد به اینکه شکست در فرهنگ امام حسین علیه السلام معنی ندارد ۹- ظهور فرج و در آغوش کشیدن پیروزی ۱۰- رسیدن به خلاقیت و نوآوری و نبوغ فکری، عملی، ذهنی و رفتاری با شناخت فرایند خلاقیت ارائه شده تلقی می‌گردد.

می‌توان به موانع و عوامل مزاحم ظهور و تجلی خلاقیت که از آن می‌توان به خلاقیت دینی و ارزشی یاد نمود به آسانی پی برد که متناسب با چارچوب محدود مقاله به صورت فهرستوار به برخی از این موانع در سازمان‌های نظامی اشاره می‌شود که مدیران و فرماندهان با تقویت و شناخت عوامل بروز خلاقیت در واقع خواهند توانست به موانع بروز این سهم در سازمان فائق آمده، سازمان را همواره پویا، با نشاط و سرشار از خلاقیت حفظ نمایند. خلاقیتی که توانست بر وحشی‌گری ابروندود غلبه کند و عملیات در شب را فرماندهی نماید و اسطوره ماندگار و جاودانی از هشت سال دفاع مقدس برای نسل‌های بعد و جهانیان ارائه نماید. در عصری که دنیا به موشک‌های اگزوسه، هواپیماهای عمود پرواز و طراحی‌های خود افتخار می‌کرد، این الگوی خلاقیت و فرایند آن توانست همچون قدرت الهی را نشان دهد که «بیده الملك و اذا اراد بشی يقول له کن فیکون^۱».

مقدمه

تمام انسان‌ها برای زندگی خود فلسفه و انگیزه‌ای را معتقدند و از این رو مکاتب و

جهان‌بینی‌های مختلفی در جهان به وجود آمده که یکی از اصیل‌ترین و ریشه‌دارترین آنها جهان‌بینی الهی است. انسانی که اعتقاد به جهان‌بینی الهی دارد و این جهان را مقدمه‌ای برای سرای جاوید می‌داند و معرف آفرینش و خلقت را نه خوب زیستن می‌داند، نگاهش به پدیده‌ها و جهان هستی متفاوت از دیگر جهان‌بینی‌های غیر الهی خواهد بود. یکی از ویژگی‌های جهان‌بینی الهی، عدالت محوری است. در سایه این نگرش انسان الهی دست رد بر سینه هر تجاوزگر و تکاثرطلبی که قصد تعدی و سلطه‌گری داشته باشد می‌زند و این نقطه تلاقی و تصادم جهان‌بینی الهی با سایر جهان‌بینی‌هاست.

در طول تاریخ همواره حق و اقامه‌کنندگان عدل الهی، با صاحبان قدرت شیطانی در کشمکش و اصطکاک بوده‌اند و بالطبع انقلاب اسلامی نیز که در عصر حاکمیت سرمایه‌داری و قرن صنعت، به دست مصلح بزرگ قرن حضرت روح الله (ره) ظهور یافت، از این قاعده مستثنی نبوده و از آتش خشم و کینه نظام سلطه جهانی در امان نماند. تا قبل از حاکمیت نظام دینی در کشور، اسلام وجود داشت اما روح اسلام وجود نداشت و استعمارگران نیز دین را از سیاست جدا می‌دیدند و این فکر غلط را ترویج نموده و در داخل نیز خیلی از افراد به آن اعتقاد داشتند و واژه‌هایی مانند جهاد و شهادت مفهومی نداشتند. خیلی از علما قیام و حرکت جهادی به منظور تشکیل حکومت اسلامی را کفر می‌دانستند و شمشیرهای خود را در درون خانه‌ها حفظ نموده بودند و به امید ظهور منجی عالم به اصطلاح خودشان منتظر بودند و انزوا و گوشه‌نشینی را رویه خود نموده و آن را ترویج می‌نمودند. امام راحل از این بلایای جانسوز در وصیت‌نامه الهی، سیاسی و منشور روحانی به صراحت یاد نمودند.^۱ که یک نمونه از آن آورده می‌شود «... اینها را بازی دادند و گفتند شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما، شما هم بروید در مسجدهایتان نماز بخوانید چکار دارید به این کارها...»

بنابراین اعتقاد عملی و راسخ به جهان‌بینی الهی بود که توانست حکومت اسلامی تشکیل دهد و بنیان‌های آن را استوار و سالم و قوی بر مبنای اسلام آن هم به تعبیر معمار سترگ انقلاب (اسلام ناب محمدی) پی‌ریزی نماید و هم او بود که توانست در قرن بیستم و در اوج مادپگری و ظهور نظرات الحادی در جهان صدای عدالت‌خواهی و ظالم‌ستیزی را طنین اندازد و تمامی توطئه‌ها را نقش بر آب کند و به خصوص معجزه هشت سال دفاع مقدس را جانانه اداره کند و پیروز میدان باشد به گونه‌ای که جهانیان و حتی دشمنان علیرغم میل خود به آن اعتراف نمودند.

۱- صحیفه نور، جلد ۲۱؛ وصیت‌نامه سیاسی الهی، ص ۱۸۳ و همان منبع، جلد ۲۰، ص ۱۹۴ و جلد ۲۱، صص ۷۴، ۵۹، ۹۱ و جلد ۱۳ ص ۲۱۶.

اداره موفق هشت سال دفاع مقدس و مدیریت جنگ را بایستی حاصل جهان‌بینی الهی و اسلام شیعی دانست و خلاقیت فرماندهان و مدیران عرصه‌های مختلف دفاع مقدس را بایستی با این نگرش تحلیل نمود، چرا که فرمانده کل قوا یک نظامی با درجه بالا نبود بلکه یک روحانی مجتهد جامع‌الشرایط و مرجع تقلید بود که خود را در اسلام ذوب نموده بود و همه چیز را برای اسلام می‌خواست و هیچ هدفی جز اعتلای (کلمه الله) نداشت.

شاخص‌ها و ویژگی‌های فرمانده کل قوا خمینی روح خدا

در خصوص صفات و ویژگی‌های حضرت امام(ره) ساعت‌ها سخن گفته شده و نویسندگان بسیاری مطلب نوشته‌اند. لیکن در ارتباط با موضوع مقاله به ویژگی‌هایی چند اشاره می‌شود:

- ۱- سختکوشی و تلاش بی‌وقفه
- ۲- نظم و انضباط بسیار دقیق
- ۳- شناخت عمیق و تفکر همه‌جانبه
- ۴- تقوا و خدا ترس بودن
- ۵- استفاده از فرصت‌ها
- ۶- تبدیل بحران‌ها به فرصت‌ها
- ۷- تلاوت قرآن و توجه به ادعیه به خصوص زیارت جامعه و عاشورا
- ۸- میدان دادن به جوانان
- ۹- اعتقاد راسخ به توانستن
- ۱۰- امید به فضل خدا و امیدوار بودن
- ۱۱- توجه به نظرات و مشورت‌های اهل نظر
- ۱۲- توجه به سخنان مخالفین و تحلیل اخبار و نوشته‌های آنان
- ۱۳- پیوند هستی با آخرت و داشتن تصویر بزرگ (اصول دین)
- ۱۴- استفاده به جا به اندازه و به موقع از امکانات
- ۱۵- مسؤلیت‌پذیری
- ۱۶- ریسک‌پذیری و خطر کردن
- ۱۷- توجه به پشتوانه اصلی (مردم) نه مادیات (تکنولوژی، منابع ارزی، ...)
- ۱۸- مردمی بودن و برای خود حقی قائل نبودن و خود را خادم خواندن (بسیج)
- ۱۹- تصمیم‌گیری قاطع
- ۲۰- هدفمند بودن و داشتن اهداف عالی (نجات مستضعفین، عدالت‌گستری، ظلم‌ستیزی، حاکمیت دین خدا و ...)

۲۱- توجه به جزئیترین امور و غافل نشدن به واسطه توجه به امور مهم (دور نریختن آب نیم خورده و خاموش نمودن چراغ دفتر و دقت در هزینه روزانه زندگی و...)

۲۲- منحرف نشدن در مسیر رسیدن به هدف

۲۳- شاعر و عارف بودن، توجه به خانواده، اهل ذوق و هنر بودن و علاقه به طبیعت و جلوه‌های زیبای آن و...

این ویژگی‌ها و صدها صفات دیگر را در هیچ نوشته‌ای که درباره خلاقیت و مدیریت مطلبی ارائه نموده باشد، نمی‌توان یافت. بعضاً به جنبه‌هایی از آن به عنوان صفات افراد خلاق اشاره شده است، بنابراین می‌توان با قاطعیت هر چه تمام گفت: خلاق‌ترین فرد، فرمانده کل قوا و سکندار هدایت و رهبری نظامی را در هشت سال دفاع مقدس بر عهده داشته است و این همه ثمره شیرین اسلام ناب محمدی است و در هیچ جهان‌بینی‌ای غیر از جهان‌بینی توحیدی نمی‌توان آن را یافت.

خلاقیت از منظر قرآن و حدیث

قرآن کلام خداوند و سراسر نور است و حقیقت و نگرش به آیات الهی با این موضوع اساساً باید صحیح نباشد. لیکن از تدبر در آیات نورانی قرآن کریم می‌توان به نمونه‌های زیادی رسید که این معنی را (خلاقیت) به طور تلویحی و ضمنی به ما گوشزد نموده، خواننده را مستقیم یا غیرمستقیم به آن متوجه می‌سازد. در ذیل به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

در سوره مبارکه الرحمن آیه ۲۹ می‌فرماید: «...کل یوم هو فی شان»؛ یعنی او (خداوند) هر روز در کاری است. روزمره‌گی و اسیر عادت‌ها شدن و اهل ریسک و نوآوری نبودن عوامل و موانعی است که خلاقیت را در نطفه خفه می‌کنند و زیر سؤال بردن امور بدیهی و روشن و سؤال نمودن و کنجکاوی پیرامون پدیده‌ها و بدیهیات از ویژگی‌های افراد خلاق و نوآور است و خداوند نیز این ویژگی را در قرآن بیان نموده و به آن به شکلی که آمد اشاره دارد.

همچنین در آیه ۲۶ سوره بقره می‌فرماید: ان الله لابتحی ان یقرب مثلاً ما بعوضه ما

فوقها...؛ خداوند برای خود عیب نمی‌داند که از پشه و بالاتر از آن برای بندگان خود مثال بزند و... شاید امور جزئی از دید بسیاری افراد به دور باشد، اما در اموری که به زعم افراد عادی جزئی به حساب می‌آیند حقایقی است که افراد خلاق را به امور مهم و کشف و حرکت رهنمون و تشویق می‌کند. نقل است که تیمور لنگ پس از شکست‌هایی که متحمل شده بود پس از مجروح شدن در حال مورچه‌ای نگر است که باری بزرگ‌تر از وزن خود را حمل می‌کند و

با تلاش مستمر پس از افت و خیزهای متعدد توانست آن بار را به مقصد برساند و از این رو عزم جزم می‌کند و موفق می‌شود...

در سوره مبارکه آل عمران آیات ۱۳۹ و ۱۴۰ می‌فرماید: هرگز نهراسید و سست نشوید شما پیروزید اگر مومن باشید، اگر به شما آسیبی وارد شود مطلقاً بدانید که مانند آن نیز به دشمن شما نیز وارد شده است و...

در این آیه و بسیاری از آیات امیدواری و ترس به خود راه ندادن را برای رسیدن به هدف گوشزد می‌کند. و این از ویژگی‌های لازم برای خلاقیت محسوب می‌شود. لفظ «سیروا» یعنی سیر کردن به صورت امری و دستوری در هفت آیه از سوره‌های مختلف تکرار شده^۱ و ضمن آن خداوند مردم را به سیر در آفاق «طبیعت» و «نفس» و مطالعه در احوال گذشتگان و عبرت‌گرفتن و درس آموختن از سرگذشت آنان سفارش نموده است. در واقع خلاقیت از توجه نمودن و مطالعه در احوالات دیگران و توجه به طبیعت و الگو گرفتن از آن حاصل می‌شود که قرآن کریم این معنی را به خوبی سفارش و توجیه نموده است.

کلمه «لطیف» که عمدتاً با «خبیر» به صورت توأم در قرآن آمده بارها تکرار شده و این نشان از اهمیت آن دارد. شهید والا مقام علامه مطهری می‌فرماید: «به طور کلی لطافت یک چیز عبارت است از نوعی صفت در شیء که دقت و ذوق و بینشی می‌خواهد که انسان او را درک کند، لطافت شعر حافظ یک امر محسوس نیست، یک صفت است که غیر دقیق است و یک حس دقیق و ظریف آن را درک می‌کند.»^۲ خداوند خود را لطیف می‌نامد، در سوره انعام آیه ۱۰۳ می‌فرماید: لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و هو الطیف الخیر؛ چشم‌ها او را درک نمی‌کنند ولی او چشم‌ها را درک می‌کند و اوست خداوند آگاه و لطیف.

به بیان دیگر، خداوند به دقایق و ظرایفی آگاهی و احاطه دارد که دیگران این دقت و ظرافت را ندارند. بنابراین دقت و درک معانی واقعی که به چشم نمی‌آیند و لازمه آن داشتن لطافت ذهنی است، یکی از ویژگی‌های خلاقیت است که افراد خلاق دارا می‌باشند و در قرآن به آن تصریح شده است. در سوره بلد آیه ۴ می‌فرماید: لقد خلقنا الانسان فی کبد؛ همانا به تحقیق انسان را در سختی آفریدیم. سختی مانند کوره‌ای است که عیار و خلوص اشیاء را معلوم می‌کند. در فرهنگ قرآن سختی مقدمه آسایش و آسایش مولود سختی است و این دو با هم عجین هستند. در سوره مبارکه انشراح آیه‌های ۵ و ۶ می‌فرماید: فان مع العسر یسرا، ان مع

۱- سوره‌های آل عمران، ۱۳۷؛ انعام، ۳۶؛ نمل، ۶۹؛ عنکبوت، ۲۰؛ روم، ۴۲؛ سبأ، ۱۸.

۲- صدای جمهوری اسلامی ایران (شبکه سراسری) سخنرانی، (۸۱/۱/۱۱).

العسر یسراً؛ همانا به همراه سختی، راحتی وجود دارد. همانا (مطناً) با هر سختی آسایشی وجود دارد. مولوی در مثنوی تمثیلی دارد در خصوص گندم که برای رسیدن به کمال چه مراحل دشواری را طی می‌کند، آن را می‌کوبند تا آرد شود و با حرارت می‌پزند و باز با دندان می‌کوبند تا به سلول‌های بدن برسد و نهایتاً به نیرو و اندیشه و فکر تبدیل می‌شود و با این تمثیل نتیجه می‌گیرد که کمال هر چیز در تحمل سختی‌هاست.

قرآن کریم این مهم را به خوبی نشان داده و به تصویر کشیده است. لازمه خلاقیت و نوآوری تحمل سختی‌ها و به استقبال خطر رفتن است. خلاقیت در سختی شکل می‌گیرد و انسان‌های خلاق عمدتاً انسان‌هایی هستند که سختی‌ها را هم آغوش شده‌اند و با سخت‌کوشی بر آنها فائق آمده‌اند.

همچنین در قرآن کریم از الفاظی نظیر «شیاطین» «شیطان» و مانند آن به صورت مکرر استفاده شده که می‌توان از آنها به عنوان موانع خلاقیت و شکوفایی استعدادها و نیروهای درونی آدمی یاد کرد. به عنوان نمونه، در سوره مبارکه نور آیه ۱۲ می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از گامهای شیطان پیروی نکنید که همانا او شما را به فساد و فحشا و تباهی امر می‌کند و... .

قرآن کریم تقوی را به عنوان پیش شرط و مقدمه خلاقیت معرفی می‌کند و این معنی را در موارد متعدد بیان نموده که به ۳ مورد از آنها به عنوان زمینه‌های ایجاد خلاقیت اشاره می‌شود:

در سوره مبارکه عنکبوت آیه ۲۹ می‌فرماید: والذین جاهدوا فینا لنهینهم سبلنا؛ کسانی که در راه ما جهاد و تلاش می‌کنند را هدایت می‌کنیم. جهاد در راه خدا و تلاش برای اعتلای دین مساوی است با هدایت و روشن‌بینی که ما از آن به خلاقیت یاد می‌کنیم. و در سوره مبارکه انفال آیه ۲۹ می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر تقوای الهی پیشه کنید، خداوند قدرت و نیروی تشخیص حق از غیر حق (فرقان) را برای شما قرار می‌دهد و... . و در سوره مبارکه طلاق آیه ۲ می‌فرماید: و من یتق الله يجعل له مخرجاً؛ کسی که تقوی پیشه کند همانا برای او راه خروج قرار می‌دهیم.

تقوی نیرویی است که صاحب خود را از هر آفتی مصون نگه می‌دارد، قلب را نورانی می‌کند و کسی که دارای قلب صاف و بی‌غل‌وغش گردید پرتو انوار حق تعالی در دل او تجلی خواهد کرد^۱ و دریچه‌های ذهنش باز گردیده، چیزهایی می‌بیند که دیگران نمی‌بینند و

۱- هم قلوب یعقلون بها او اذان یسمعون بها...؛ (سوره حج، آیه ۳۶).

نمی‌شنوند، اگر چه آنها هم به ظاهر گوش دارند اما از درک حقایق عاجزند و احادیث بی‌شماری نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. از معصوم علیه السلام است که کسی که برای خدا اخلاص بورزد و چهل روز بر این امر استوار باشد خداوند چشمه‌های حکمت را از قلب بر زبانش جاری می‌کند. می‌توان از این آثار تقوی به خلاقیت دینی نیز تعبیر نموده که خاص اهل ایمان و تقوی پیشگان است.

آنچه به طور مختصر بیان گردید خلاصه‌ای بود از آیات متعددی که می‌توان در خصوص خلاقیت به آنها استناد نمود. در بیان معصومین علیهم السلام نیز می‌توان مصادیق زیادی را در خصوص خلاقیت ارائه نمود که به دلایل طولانی شدن کلام تنها به ذکر مختصری از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- حکمت گمشده مؤمن است و هر کجا آن را بیابد آن را اخذ می‌کند. (علم آموزی)
- ۲- فرزندان خود را مطابق زمانی که در آن زندگی می‌کنند، تربیت کنید. (درک زمان)
- ۳- مؤمن هرگز از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود. (فراست ذهن)
- ۴- کسی که صبح کند و به فکر مسلمان دیگر نباشد مسلمان نیست. (تلاش برای دیگران)
- ۵- به گوینده سخن توجه نکنید بلکه به سخن و کلام توجه کنید. (تعصب نداشتن)
- ۶- کلام حق را بگیرید ولو از اهل باطل باشد و کلام باطل را رد کنید ولو از اهل حق صادر شده باشد. (تعمق)

- ۷- لحظه‌ای (ساعتی) تفکر از هفتاد سال عبادت برتر است. (تفکر و اندیشه)
- ۸- برای دنیا چنان تلاش کن که گویی تا ابد در آن خواهی زیست و برای آخرت نیز چنان باش که گویی همین فردا مرگ شما را فرا خواهد گرفت. (هدفمندی و امیدواری و تلاش)
- ۹- این حدیث از امام علی علیه السلام است آنجا که می‌فرماید: ان فی ایام دهر کم نفاتح فتريصوا ؛ همانا در ایام زندگی شما فرصت‌هایی استثنایی رخ می‌نماید، به هوش باشید تا آنها را بیهوده از دست ندهید و نسبت به آنها با دید بصیرت نگاه کنید. (زمان سنجی، استفاده از فرصتها)
- ۱۰- از آنجا که امام علی علیه السلام می‌فرماید: هیچ عملی مانند تفکر نیست. (تشویق به تفکر)
- ۱۱- در فرازی دیگر می‌فرماید: هیچ عبادتی مانند تفکر نیست. (تفکر قبل از عبادت)
- ۱۲- همچنین امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه از شگفتی‌های عالم خلقت پرده برمی‌دارد و آنچه را که توصیف طاووس می‌گویند: «... و از شگفت‌انگیزترین آفریده‌های او طاووس است که پیکرش را در نهایت اعتدال بیاراست و رنگ‌هایش را به نیکوترین گونه بنگاشت، بال‌هایش را به هم پیوست و دمش را به درازی کشید که چون به سوی جفت خود حرکت می‌کند آن دم را چون چتر بگشاید و از آن سایبانی بر سرش بسازد، همچون کشتیبانی که بادبان کشتی را

به هر سوی بکشاند و...»^۱ و همچنین است در احوالات مورچگان و ملخ و سایر مخلوقات خداوند که سرشار از حکمت و نور هستند و ما را به طور مستقیم یا غیرمستقیم به خلاقیت، داشتن بینش و نگرش مثبت و تلاش و امیدواری و خوب زیستن هدایت می‌کنند و همه اینها همان روح اسلام هستند که امام خمینی(ره) به عنوان فرمانده کل قوا از آن تحت عنوان «اسلام ناب محمدی» یاد نمودند و فرماندهان و مدیران رده‌های مختلف طی دوران دفاع مقدس از این فرهنگ سیراب و ارتزاق نمودند و به واسطه این توانمندی‌ها به خلاقیت‌هایی دست یافتند و شاهکارهایی خلق نمودند که خمیر مایه و روح آن در جهان‌بینی الهی نهفته است. لذا چنانچه ذکر گردید تحلیل دوران دفاع مقدس از هر زاویه و تحت هر موضوعی آنگاه از صحت تام برخوردار است که با این جهان‌بینی مرتبط و در آمیختگی داشته باشد.

تعریف خلاقیت

صاحب‌نظران و دانشمندان در عرصه‌های مختلف از خلاقیت تعاریف متفاوتی ارائه نموده‌اند که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

— آقای استیفن رابینز منظور از خلاقیت فردی را میزان مسئولیت‌پذیری، آزادی عمل و استقلال فرد می‌داند که افراد دارا می‌باشند.^۲

— آقای جان اندرو هولمز می‌گوید «هرگز به یک جوان نگویند که کاری غیرممکن است، خداوند ممکن است قرن‌ها صبر کرده باشد تا کسی که نمی‌داند غیرممکن چیست، پیدا شود و آن غیرممکن را امکان‌پذیر سازد.»^۳

در واقع تبدیل غیرممکن به ممکن از دیدگاه هولمز به خلاقیت تعبیر می‌شود.

— آقای هربرت فوکس می‌گوید: «فرایند خلاق به موضوع فرایند تفکری گفته می‌شود که مسأله را به طریق مفید و بدیع حل کند.»

از این دیدگاه حل مسأله و یا پاسخ به یک مسأله به گونه‌ای تازه و بدیع که سابقه قبلی نداشته باشد، خلاقیت نامیده می‌شود.

۱- شگفتی‌های نهج‌البلاغه، صص ۴۱۸-۴۲۳.

۲- مدیریت رفتار سازمانی، جلد ۳، ص ۹۶۷.

۳- بزرگ‌ترین اصل مدیریت در دنیا، ص ۵۹.

— آقای جرج سیدل معتقد است: «توانایی ربط و وصل موضوعات از اصول مثبت استفاده خلاق از ذهن می‌باشد. البته مهم نیست که در چه حوزه یا زمینه‌ای باشد.»
در واقع، از این منظر پیدا نمودن ارتباط منطقی و صحیح بین موضوعات مختلف خلاقیت نام دارد.

— آقای اریک فروم چنین بیان می‌کند: «خلاقیت توانایی دیدن (آگاه بودن) و پاسخ دادن است.»

— آقای آبراهام مازلو معتقد است «از یک تاجر آموختم که برپایی یک سازمان تجاری می‌تواند فعالیتی خلاق باشد، از ورزشکار نوجوانی آموختم که حمله‌ای کاری در بازی، تولید یک محصول یا سرودن غزل زیبا می‌تواند خلاقیت باشد و باید با همان روحیه خلاق با آن برخورد شود.» از مجموع تعاریف ارائه شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که: «خلاقیت عبارت است از به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فرم یا مفهوم جدید.»^۱

در این تعریف خلاقیت در هر نوع فعالیتی صورت می‌گیرد و تنها محدود به نوع خاصی از آن نیست. همچنین در فرهنگ سیلامی (sillamy) در خصوص خلاقیت چنین آمده است:^۲
«خلاقیت همان تمایل و ذوق به ایجادگری است که در همه افراد و در همه سنین به طور بالقوه وجود دارد و با محیط اجتماعی فرهنگی پیوستگی مستقیم و نزدیکی دارد. شرایطی مناسب لازم است تا این تمایل طبیعی با شکوفایی به تحقق بپیوندد. ترس از انحراف و سعی در همنوایی با اجتماع خلاقیت را به بند می‌کشد.»

ویژگی‌های زیر را می‌توان در این تعریف از خلاقیت فهرست نمود:

- ۱- ارتباط تمایل (انگیزه) با خلاقیت
- ۲- ماحصل خلاقیت ایجادگری است. *کاوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
- ۳- خلاقیت محدود به سن خاص نمی‌باشد.
- ۴- خلاقیت امری بالقوه است که محیط مستعد آن را شکوفا می‌کند.
- ۵- محیط‌ها و فرهنگ‌ها در بروز خلاقیت نقش دارند.
- ۶- ترس مانع خلاقیت به حساب می‌آید.
- ۷- خرق عادت و در مسیر مخالف اجتماع حرکت و فکر کردن از عوامل بروز خلاقیت و توجه به این ضرب المثل که می‌گوید: «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» مانع خلاقیت محسوب می‌شود.

۱- اصول مدیریت، ص ۳۱ و ۲۶۰.

۲- خلاقیت در آموزشگاه خانواده، ص ۱۰.

اهمیت خلاقیت

در عصری که طول عمر دانش بشری هر ساعت کمتر و کمتر می‌شود و بشر توانسته است در سایه دسترسی به فناوری نوین با سرعت خارق‌العاده‌ای به تولید اطلاعات بپردازد، نمی‌توان از اکسیر خلاقیت غافل ماند. در واقع، بقاء، دوام و پویایی سازمان‌ها امروزه مرهون خلاقیت و نوآوری است. به‌گونه‌ای که هر سازمانی فاقد آن باشد ولو در گذشته خدمات ارزشمندی ارائه نموده باشد در مواجهه با زمان، قدرت بقاء را از دست خواهد داد و جای خود را به رقیب خواهد سپرد. لذا در جهانی که سراسر تغییر و تحول است نمی‌توان از خلاقیت چشم‌پوشی کرد و به عوامل زایش و بروز و موانع ظهور آن بی‌توجه بود.

انواع خلاقیت

می‌توان برای مدیران چهار نوع خلاقیت را در نظر گرفت که عبارتند از:^۱

۱- خلاقیت علمی: منظور از این خلاقیت میزان توانایی و قدرت نوآوری و ابداع در حل مسأله به طور علمی است. به عنوان مثال، آیا می‌توان از فضاهای موجود به‌گونه‌ای بهتر استفاده نمود؟ و یا اینکه چگونه می‌توان رضایت شغلی در بهره‌وری را در سازمان بیشتر نمود؟ و یا اینکه آیا می‌توان برای رسیدن به یک هدف استراتژیک راه‌کار بهتری ارائه نمود؟ در واقع، این نوع خلاقیت مدیر یا فرمانده امور بدیهی و رایج و روزمره را زیر سوال می‌برد و به دنبال راه‌ها، روش‌ها و ابزارهای جدید برای کارآمدتر شدن مجموعه در این نوع از خلاقیت برای تقویت ذهن و تفکر مدیران بایستی در روش‌های موجود تفکر نموده و به دنبال راه‌کارهای بهتر و جانسین‌های مطلوب‌تر باشند و این کنکاش ذهنی را پیوسته تمرین نمایند.

۲- خلاقیت ذهنی: منظور از خلاقیت ذهنی، توان ذهنی در قدرت به کارگیری منطق با قابلیت انعطاف در شرایط و اوضاع و احوال گوناگون است. به جرأت می‌توان گفت که امروزه هر مدیری به ذهن خلاق نیازمند است. ذهنی که بتواند او را به ایده‌های جدید رهنمون کند. برای موفقیت در فرماندهی و مدیریت بایستی از خلاقیت ذهنی بهره گرفت. به عنوان مثال، آیا می‌توان در عملیات‌های آفندی و پدافندی به راه‌کارهایی رسید که تاکنون در دنیا مرسوم نبوده و کارایی آن نیز بالا باشد؟

۳- خلاقیت هنری: منظور از آن «میزان قدرت تلفیق و ترکیب اجزا با هم و ایجاد یک کل با معنی است» هنر تنها محدود به نقاشی و یا معماری در یک بنای مجلل نیست، در سازمان‌ها نیز می‌توان از عامل هنر بهره گرفت و اعتلای سازمانی را از مجرای هنر دنبال نمود.

اشعار حماسی، به کارگیری نقاشی و سرود و موسیقی و صدای خوش آنگاه که با نسیم میدان نبرد هماهنگ و همنوا گردند کارایی، کارآمدی و بهره‌وری و جنگاوری را به طرز معجزه‌آسایی بالا خواهند برد. همانگونه که تولید را در یک کارخانه صنعتی افزایش می‌دهند.

مدیران بایستی از چاشنی هنر در امور مرتبط با حیطة مدیریت و فرماندهی خود به‌گونه‌ای مناسب استفاده کنند تا موجبات موفقیت هر چه بیشتر را فراهم کنند.

۴- خلاقیت غیرکلامی و تخیلی: منظور از خلاقیت غیرکلامی و تخیلی توان تفکر و خلق اندیشه‌هایی است که در قالب کلام قرار نمی‌گیرند. در خلاقیت ذهن انسان طیران می‌کند و به دنیای ناشناخته‌ها پرواز می‌کند، به شکار نظریه‌هایی نو می‌پردازد، فرضیه‌هایی جدیدی را طرح می‌نماید و الگوی بدیعی را ارائه می‌کند.

داستان‌های نویسنده معروف ژول ورن همه ناشی از این نوع خلاقیت‌اند که بسیاری از آنها به واقعیت تبدیل شده‌اند. اگرچه صاحب این تخیلات شاید به عملی شدن آنها فکر نکرده بود. امروزه مدیران بایستی ذهن خود را در این عرصه‌ها تقویت کنند و فرضیه‌های جدیدی را برای سؤالات و سؤالات جدیدی را برای امور جاری طرح نمایند. آلبرت انیشتین خلاقیت تخیلی را اینگونه وصف کرده است: «زمانی که من افکار و نحوه اندیشیدن خود را در نظر می‌آورم، موهبت تخیل در خویشتن را بیش از تحصیل دانش عینی می‌یابم.»

فرماندهان در عرصه‌های جنگ چگونگی حرکت نیروهای دشمن و چگونگی تصمیم‌گیری آنان را همواره در طرح‌های خود مدنظر قرار می‌دهند و مناسب با این فرضیات تدابیر لازم را می‌اندیشند و این بارزترین بازی فکر و تخیل ذهن است که امروز تحت عنوان «بازی جنگ» از آن یاد می‌شود. در اینجا مانند دو حریف شطرنج باز که حرکت یکدیگر را پیش‌بینی می‌کنند و در ذهن مهره‌های خود را حرکت می‌دهند با طرح شرایط و وضعیت‌های مختلف از افراد خواسته می‌شود تا طرح مناسب با شرایط جدید ارائه دهند و سپس به تحلیل درستی و یا نادرستی آن می‌پردازند.

فرایند خلاقیت

انسان‌ها همواره این سؤال را از خود پرسیده‌اند که چگونه خلاقیت شکل می‌گیرد؟ و یا به

عبارتی انسان‌های خلاق تا ظهور خلاقیت در زمینه‌ای خاص چه مراحل را طی می‌کنند؟ «جل دیوئی» روش علمی رسیدن به حقیقت را در کتاب خود «چگونه می‌اندیشیم» را به صورت زیر مطرح نموده است:^۱

۱- برخورد با موقعیت نامعین یا مسأله‌ای

۲- بیان مسأله

۳- گردآوری اطلاعات

۴- تدوین فرضیه

۵- آزمون فرضیه

۶- نتیجه‌گیری و رسیدن به حقیقت (خلاقیت)

همچنین آقای فیلیپ جی اسمیت در کتاب «ذهنیت فلسفی» افراد خلاق را دارای ذهن فلسفی می‌داند و ویژگی‌های ذیل را برای ذهن فلسفی بر می‌شمرد:^۲

۱- جامعیت: در خلال جنگ جهانی دوم به این مهم توجه شد که چنانچه سربازان وظایف فردی خود را در ارتباط با سایر واحدها خوب بدانند و نسبت به آن توجیه شوند مناسب‌تر عمل می‌کنند و از این امر مهم تحت عنوان «تصویر بزرگ» یاد نمودند، جامعیت دارای مراحل است که عبارتند از:

الف - نگرستن به موارد خاص در ارتباط با زمینه‌های وسیع

ب - ارتباط دادن مسائل آنی به هدف‌های درازمدت

ج - به کار بردن قوه تعمیم

د - شکیبایی در تفکرات عمیق نظری

۲- تعمق: تعمق یا ژرف‌نگری یعنی رهایی بخشیدن فکر از کلیشه‌ای فکر کردن، اسیر عادت در تفکر نشدن و توجه به جنبه‌های مختلف در حل مسأله. تعمق دارای ویژگی‌هایی است که عبارتند از:

الف - زیر سؤال بردن آنچه مسلم و بدیهی است

ب - کشف و تدوین بنیادها

ج - کاربرد حساسیت برای اموری که دارای معانی ضمنی و رابطه‌ای هستند

د - بنیان نهان انتظارات بر جریان فرضیه استنتاجی - قیاسی

۱- روشهای تحقیق در علوم انسانی، ص ۳۲.

۲- ذهنیت فلسفی، صص ۷۰-۱۰۱.

۳- قابلیت انعطاف: سومین ویژگی افراد دارای ذهن فلسفی (خلاق)، انعطاف‌پذیری است، انسان‌ها غالباً به دلیل تمایلات شخصی و ابتلای ذهن به عواطف و احساسات از دین مسائل با جنبه‌های مختلف هستند در حالی که افراد خلاق ذهن خود را از عواطف و احساسات در مواجهه با مسائل و پاسخ به آنها نمی‌سازند و مسائل را از جوانب مختلف بررسی می‌کنند. ویژگی‌های افراد دارای ذهن با قابلیت انعطاف‌پذیری عبارتند از:

الف - رها شدن از جمود روانشناختی

ب - ارزشیابی افکار و نظریات جدا از منبع آنها

ج - دیدن مسائل با جهات متعدد

د - شکیبایی در قضاوت مشروط و موقت

برخی دیگر از صاحب‌نظران فرایند خلاقیت را به شرح ذیل می‌دانند:^۱

۱- کسب دیدگاه و نگرش موافق نسبت به فکر (ایده)های جدید. (داشتن نگرش مثبت)

۲- حساسیت داشتن نسبت به مسأله (تمرکز فکر بر روی مسائل)

۳- آمادگی یافتن برای خلاقیت از طریق کسب مواد خام لازم (فکرها در خلاء شکل نمی‌گیرند)

۴- به کارگیری سالم فکر (جمع‌آوری آراء و افکار مختلف دارای اهمیت زیادی است)

۵- فعالیت ضمیر ناخود آگاه بر روی مسأله، دادن فرصت برای استراحت به ضمیر ناخود آگاه و

دادن فرصت برای جولان دادن ضمیر ناخود آگاه، به منظور تداعی راه‌حل‌های ممکن برای

حل مسأله که اصطلاحاً به آن «خواب روی مسأله» اطلاق می‌شود.

۶- درخشش ناگهانی یک فکر.

تمامی کشفیات بشری حاصل درخشش و ایجاد یک بارقه به صورت یکباره در ذهن است.

داستان نیوتن، ارشمیدس و دیگران نمونه‌هایی از این واقعیت است. درخشش فکر برای حل

یک مسأله و رسیدن به خلاقیت فکری ممکن است یک لحظه، یک ساعت، چند روز، و یا چند

سال به طول بیانجامد و به تلاش فکری بستگی خواهد داشت.

مراحل و فرایندهای خلاقیت ارائه شده هیچکدام صبغه الهی ندارند و می‌توان گفت خواسته یا ناخواسته مبدأ هستی و غایت هستی در آنها دیده نمی‌شود. حال آنکه فرایند

خلاقیت در دوران دفاع مقدس در میان فرماندهان و مدیران و دیگر نیروها به لحاظ داشتن جهان‌بینی الهی رنگ و صبغه الهی دارد و می‌توان براساس فرایند خلاقیت دینی را اینگونه دانست:

- ۱- نیت: اولین معیار برای تقرب افعال، افکار و اقوال به خداوند و قبلی آنها.
 - ۲- توکل: اینکه ما بنده‌ایم و هر چه هست از اوست، خود را نیازمند مطلق دانستن و خداوند را بی‌نیاز مطلق انگاشتن و از او استمداد طلبیدن.
 - ۳- اعتماد به نفس: اعتماد و اعتقاد راسخ و محکم به این واقعیت که می‌توانیم اندیشه‌ای که امام راحل آن را طرح و ترویج نمود و همگان دیدیم که «اگر بخواهیم، می‌توانیم».
 - ۴- تلاش و سعی: از همه قوا کمک گرفتن و تمامی نیروها را بسیج نمودن و متمرکز شدن.
 - ۵- دعا و نیایش: اعتقاد به این واقعیت که از انفاس و روح قدسی ائمه علیهم‌السلام می‌توان در کسب موفقیت کمک گرفت و توجهات آن بزرگواران شاه کلید حل مسائل است.
 - ۶- تحمل سختی‌ها و رنجها.
 - ۷- استمرار در تلاشها و بهره‌گیری از کلیه امکانات.
 - ۸- ناامید نشدن و اعتقاد به اینکه در فرهنگ امام حسین علیه‌السلام شکست معنی ندارد.
 - ۹- ظهور فرج و فراهم شدن دوران آسایش و کسب پیروزی و حل مسأله (خلاقیت).
 - ۱۰- توجه به پیروزی و شکست به عنوان امتحان الهی و اینکه در قاموس اسلام شکست معنی ندارد و به فرموده امام راحل چه بکشید و چه کشته شوید در هر دو حال پیروزید (بزرگ‌ترین تصویر).
- مراحل فوق در خلق حماسه‌های بی‌نظیر و بروز خلاقیت‌های بی‌نظیر از رزم شبانه تا تدارک امکانات و بسیج نیروها و طرح عملیات و... وجود داشته و در واقع رمز خلاقیت‌ها و موفقیت‌ها همین فرایند بوده است.

ویژگی‌های مدیران و فرماندهان هشت سال دفاع مقدس

فرماندهان و مدیران دوران شکوهمند دفاع مقدس از ویژگی‌هایی برخوردارند که این ویژگی‌ها را از مکتب حیات‌بخش اسلام و بخصوص قیام امام حسین علیه‌السلام آموخته و آن را در خود تقویت نموده بودند به‌گونه‌ای که جزیی از وجود آنها شده بود و به عبارت دیگر این صفات در درون آنها «ملکه» شده و رفتار آنها را تحت تأثیر قرار می‌داد. شناخت این ویژگی‌ها در تحلیل علل بروز خلاقیت‌ها و شناخت موانع خلاقیت ما را یاری خواهد داد. پاره‌ای از ویژگی‌های فرماندهان دوران دفاع مقدس عبارتند از:

۱- عزت نفس: انسان مسلمان از بدو تشکیل نطفه دارای احترام و منزلت است و در طول دوران حیات نیز این مهم در تمامی مراحل زندگی تقویت می‌گردد و این احترام و اعزاز بعد از رحلت از دنیا نیز ادامه دارد و همواره از یاد و نام درگذشتگان به نیکی یاد شده و برای آنان طلب رحمت می‌شود. از این رو، در مکتب اسلام و جهان‌بینی الهی انسان عزیز است و با هر چیز که مانع این عزت و احترام گردد سخت برخورد می‌شود و همه تلاشها در این راه به کار بسته خواهد شد.

اساس حرکت و قیام امام حسین علیه السلام نیز در همین نکته نهفته است و خود ایشان می‌فرمایند: «مانا بدترین خلق خدا (یزید) مرا بین ذلت و شهادت مخیر گردانید و به دور باد از ذلت و خواری» و این شعار رزمندگان و فرماندهان گردید که «هیهات من الذله» و برای تحقق این عزت و سیادت با همه توان و قدرت به میدان آمدند و شاهد پیروزی و عزت را در آغوش کشیدند.

۲- سخت‌کوشی.

۳- توکل به فضل خدا و به یاد او بودن در همه حال.

۴- دوری از دنیا طلبی و بی‌توجهی به تمامی جلوه‌های آن.

۵- ایثار و از خودگذشتگی.

۶- ساده‌زیستی و قناعت به کمترین امکانات.

۷- تلاوت قرآن و خواندن دعاهای توسل، کمیل، عاشورا، ندبه و ...

۸- عشق به ائمه علیهم السلام به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و ام‌الائم علیهم السلام.

۹- اخلاص.

۱۰- تفکر و اندیشه.

۱۱- ریسک‌پذیری: ریسک‌پذیری به مفهوم «میزانی که افراد تشویق می‌شوند تا ابتکار عمل به

خرج دهند دست به کارهای مخاطره‌آمیز بزنند و بلند پروازی کنند»^۱.

۱۲- شجاعت.

۱۳- مطالعه.

۱۴- راز و نیاز و اهل تهجد و شب‌زنده‌داری و روزه.^۲

۱۵- دشمن‌شناسی.

۱- بزرگ‌ترین اصل مدیریت در دنیا، ص ۵۳.

۲- امام علی علیه السلام می‌فرماید: نماز قلعه خدای مهربان و وسیله دور کردن شیطان است. (غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۶۲)

- ۱۶- تعهد و پایبندی به اصول و بنیانهای دینی.
- ۱۷- استفاده بهینه از امکانات.
- ۱۸- مشورت.
- ۱۹- مردمی و خاکی بودن (نفوذ در قلبها و رهبری)، امام راحل می‌فرماید: اسلام سردارهایش هم توی مردم هستند و...^۱
- ۲۰- جوان بودن و میدان دادن به جوانان.
- ۲۱- تقوی و صیانت نفس از پلیدی‌ها و توجه به مستحبات و واجبات.
- ۲۲- رسیدگی به خانه و خانواده، رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۷۲/۲/۱ خطاب به جمع سپاهیان فرمودند: «شما باید به خانواده‌هایتان برسید».
- ۲۳- امانت و رازی‌داری.
- ۲۴- دوری از غرور و کبر: حضرت امام(ره) در این باره می‌فرماید: «برادران محترم و نور چشمان عزیز، مبدا آفت‌های پیروزی که در رأس آنها غرور است، خدای ناخواسته شما را به دام کشد و از صاحب اصلی نصر که خداوند قادر است اغفالتان کند...»^۲.
- ۲۵- دوری از خودکامگی: استبداد و تبعیت از هوای نفس موجب دوری از دیگران و مانع بروز خلاقیت محسوب می‌شود. حضرت امام علی(علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که استبداد رأی داشته باشد، هلاک می‌شود و کسی که با مردان مشورت کند در عقل و دانش آنها شریک است».
- ۲۶- تبعیت از فرماندهی کل قوا در همه احوال: امام علی(علیه السلام) بعد از غائله خوارج قصد اعزام سپاه به سوی شام و مواجه شدن با معاویه را داشتند که سپاه او از گسیل شدن به شام امتناع ورزیده و امام در حق آنها نفرین نمود و فرمود: «نفرین بر شما از بس شما را سرزنش نمودم خسته شدم... هر گاه شما را به جهاد دعوت می‌کنم چشمان شما در جام دیده از ترس دور می‌زند...»^۳.
- ۲۷- ضابطه‌مند بودن و پرهیز از رابطه‌مداری.
- ۲۸- واقع‌گرایی و پرهیز از غلو و مبالغه و دوری از خودستایی.
- ۲۹- بصیرت در دین و عبرت از تاریخ: امام علی(علیه السلام) در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه می‌فرماید: «از کیفرهایی که در اثر کردار بد و کارهای ناپسند بر امت‌های پیشین واقع شده بر حذر باشید و حالات آنها را در خوبی‌ها و سختی‌ها به یاد آرید، نکند شما مثل آنها باشید».

۱- صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۱۵۹.

۲- همان.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۳۴، همچنین است خطبه ۲۷ در مزمت سپاه به واسطه بهانه‌گیری و نافرمانی.

۳۰- ایمان قلبی و از روی صدق و صفا؛ ایمان به انسان قدرت می‌دهد و در ادامه راه او را پرتوان می‌کند و از شروط مهمی است که مایه فزونی نصرت الهی می‌گردد. قرآن کریم در آیات ۵، ۶ و ۷ سوره بقره ثمرات ایمان را به خوبی بر شمرده است و می‌فرماید: آنهایی که ایمان آوردند، از جانب پروردگار خویش هدایت می‌شوند و هم اینها از رستگارانند و کسانی که ایمان نیاوردند و کفر ورزیدند خداوند همانا بر دل‌های آنها مهر می‌زند و بر چشم‌ها و گوشه‌هایشان حجابی قرار می‌دهد و عذاب الهی در انتظار آنان است.

۳۱- داشتن روحیه و انگیزه قوی: روحیه و انگیزه هر چه قوی‌تر باشد موفقیت و پیروزی نیز به همان نسبت بیشتر خواهد بود. انگیزه ناشی از دین محدود به دنیا نمی‌گردد و ریشه در مابعدالطبیعه دارد و همواره بزرگ‌ترین آثار را خلق کرده است. نمونه بهترین هنرها را می‌توان در مساجد و اماکن مذهبی یافت. نتایج تحقیقات عامل انگیزه را در کسب موفقیت‌ها و جبران شکست‌ها یک اصل مهم می‌دانند و در واقع خلاقیت دینی زاینده انگیزه الهی است که ریشه در آسمان دارد و از جنس زمین نیست. فرمانده‌ای که می‌داند و مطمئن است که «چه کشته شود و چه بکشد در هر دو حال پیروز است» هیچ‌گاه دچار عدم روحیه و انگیزه نخواهد شد و همواره با روحیه و نشاط قوی عمل خواهد نمود.

۳۲- نظم و انضباط: سفارش و توصیه امام علی علیه السلام به همه نسل‌ها بعد از تقوی نظم و انضباط است که آدمی را از آشفتگی فکری بر حذر داشته و نظم فکری و خلاقیت و نبوغ را با خود به ارمغان می‌آورد و نهایتاً منجر به نظم عملی و رفتاری می‌گردد.

۳۳- خدا را به عنوان عالی‌ترین ناظر و بازرس تلقی نمودن و به آن اعتقاد قلبی داشتن: به فرموده امام راحل (ره): عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید. به عبارت دیگر، داشتن سیستم خود کنترلی به واسطه خدا ترسی یکی دیگر از عواملی است که فرماندهان دوران دفاع مقدس را به عناصر خلاق تبدیل نموده بود.

۳۴- درگیر نشدن در امور اداری پیچیده و بوروکراسی منفی: فرماندهان همواره در دسترس بودند و هر لحظه امکان دیدن و برقراری ارتباط با آنها وجود داشت و از این جهت افکار نو و ایده‌های تازه به آنها منتقل و این امر به نوبه خود می‌توانست عاملی برای نوآوری بیشتر تلقی شود.

۳۵- شکست در فرهنگ فرماندهان جنگ معنی نداشت: شهید والامقام «حاج محمدابراهیم همت» در شب عملیات والفجر ۸ با زبانی سرشار از صداقت و چهره‌ای نورانی در جمع نیروها و بسیجیان و فرماندهان خود می‌فرماید: «اگر همه کارها و اعمال ما برای خدا باشد شکست معنی ندارد و چه کشته شویم و چه بکشیم در هر دو حال پیروزیم. اگر برای خدا کار کنیم نصرت الهی خواهد رسید و نباید پیروزی‌ها را به حساب ادوات جنگی بگذاریم و باید همه چیز را از خدا بدانیم.»

در چنین فرهنگی خلاقیت همیشگی خواهد بود و تلاش‌ها مضاعف خواهد بود چرا که در محاسبات الهی، ذره هم مفهوم و معنی‌دار خواهد بود.

۳۶- اعتماد به نفس

صفات و ویژگی‌های ارائه شده بخشی از ویژگی‌های مدیران و فرماندهان دوران دفاع مقدس است که همه این برجستگی‌ها نشان و ریشه در جهان‌بینی الهی دارند و هر کدام از آنها به تنهایی کافی است که خلاقیت را در افراد ایجاد و تقویت کند.

مجموعه این صفات بود که آنها را شیران روز و زاهدان شب قرار داد و کاری بی‌سابقه کردند، به‌گونه‌ای که برای دیگران حتی دشمنان الگو قرار گرفتند. اگر صفات انسان‌های خلاق و دارای قوه ابتکار و نوآوری را فهرست نماییم می‌توان گفت انسان‌های خلاق دارای ویژگی‌هایی به شرح ذیل می‌باشند:

۱- اهل سؤال و تفکرند.

۲- انگیزه قوی دارند.

۳- همواره به دنبال جستجوی راه کارهای جدید هستند.

۴- پشتکار و تلاش زیادی از خود بروز می‌دهند.

۵- هدفمند و دارای اهداف عالی هستند.

۶- از تمرکز ذهنی برخوردارند.

۷- اعتماد به نفس خوبی دارند.

۸- عدم تمایل به یکنواختی و هم‌رنگ شدن با جمع در مسائل غیر منطقی و عقلی در وجود آنها دیده می‌شود.

۹- تمایل به حرکت مخالف با حرکت رود و رویه‌های جاری و عادات اجتماعی نامطلوب دارند.

۱۰- تمایل به نوآوری و داشتن روحیه ایجادگری در آنها دیده می‌شود.

با دقت در صفات و شاخصه‌های انسان‌های خلاق و مقایسه آن با ویژگی‌های فرماندهان و مدیران دوران دفاع مقدس و اندیشیدن به قلله‌های شرف و سربلندی سردارانی نظیر حاج حسین خرازی، باکری، صیاد شیرازی، زین‌الدین، همت، متوسلیان و هزاران شهید دیگر و فرماندهان و مدیران دفاع مقدس که در قید حیاتند هر انسان سلیم‌الفطره و سالم‌النفسی را به تعظیم وادار نموده و به این نکته اقرار می‌کند که همانند فرمانده کل قوا که خلاق‌ترین افراد بود و فرماندهان و دست‌پروردگان زعامت و رهبری ایشان نیز در خلاقیت و نبوغ و ابتکار بی‌نظیر

بودند و سراسر تاریخ جنگ هشت ساله و دستاوردهای آن در مقایسه با توانمندی‌های دشمن و پشتیبانی‌های همه جانبه و بی‌دریغ استکبار جهانی دلیلی صادق بر این مدعاست.

موانع خلاقیت

چنانچه توضیح داده شد خلاقیت‌های دوران دفاع مقدس ریشه در جهان‌بینی دینی و الهی دارد. بنابراین شناخت این سرچشمه‌ها و شناساندن آن به نسل جدید و توجه و تدبر در گذشته و بهره‌گیری از آن ذخایر عظیم خدادادی در تمامی امور سازمانی می‌تواند برکات و عنایات خداوندی را استمرار بخشیده و همواره ضامن پیروزی و خلاقیت و نشاط در سازمان باشد. اما چنانچه ما از صفات و ویژگی‌های ارائه شده فاصله بگیریم و به گذشته خود بی‌اعتنا شویم و یا نتوانیم سازوکار مناسب استفاده از تجربیات گذشته را در سازمان ایجاد و مهیا کنیم. مطمئناً خلاقیت نیز از بین خواهد رفت و یا حداقل جهت آن غیردینی و غیرارزشی خواهد شد.

به عنوان مثال، توجه به دنیا و زیورآلات آن، عزت نفس، اعتماد به نفس، روحیه و انگیزه ایثارگری و از خودگذشتگی، نظم و انضباط، تحرک و تلاش و خداجویی و... را زیر سؤال خواهد برد و انسانی که بنده دنیا شد، هوای نفس بر او چیره گشته، گذشته خود را با دینار و در هم معامله می‌کند و خدای ناکرده تا جایی پیش می‌رود که از گذشته هم ابراز پشیمانی و ندامت می‌کند و طبعی که اینگونه عادت نمود دیگر طعم جهاد، ایثار و جانبازی را درک نخواهد کرد و داستان طلحه و زبیر خدای ناکرده تکرار می‌شود و معاویه صفتان میدان تاخت و تاز پیدا می‌کنند.

در کتاب‌ها و مقالات موانع خلاقیت را متعدد ذکر نموده‌اند. به عنوان مثال، آقای دکتر علی رضاییان معتقدند موانع خلاقیت عبارتند از:^۱

پرتال جامع علوم انسانی

۱- عدم اعتماد به نفس.

۲- ترس از انتقاد و شکست.

۳- تمایل به هم‌رنگی و هم‌گونی.

۴- عدم تمرکز ذهنی.

نویسنده براساس تجارب و مطالعات انجام گرفته عمده‌ترین موانع خلاقیت را در سازمان‌ها

نظامی به شرح زیر جمع‌بندی نموده است:

- ۱- توجه بیش از حد به ظواهر و غفلت از اصول اساسی.
- ۲- دستور و فرمان دادن به آنچه که خود عامل آن نباشیم (قرآن کریم می‌فرماید: ... لم تقولون ما لا تفعلون...)^۱.
- ۳- تبعیض در امور مختلف رفاهی تا اعطای درجه و نشان و... .
- ۴- دوری جستن از نیروها و مردم و غرق شدن در جایگاه و درجه و حجاب شدن نشان‌ها و جایگاه‌ها.
- ۵- ارتباط دادن درجه و رتبه با جایگاه (وضعیتی که انسان‌ها را برای رسیدن به جایگاه بالاتر به منظور دریافت درجه بالاتر دچار زبونی، ذلت و تملق و چاپلوسی و احتمالاً قرار گرفتن در لوای افراد خاص و به اصطلاح مقرب، درگاه شدن برای بهره‌مندی بیشتر می‌نماید).
- ۶- عدم توجه به پیشنهادات و انتقادات و مبتلا شدن به استبداد رأی.
- ۷- عدم تعریف نظم و آراستگی و داشتن تفسیرهای متعدد (پریشان حالی و عدم تمرکز در آداب).
- ۸- تمایل به حفظ وضع موجود و عدم تمایل به نوآوری و تغییر و تحول مثبت.
- ۹- پرداختن به امور غیرمرتبط به وظایف اصلی از قبیل مؤسسات خودکفایی و ...
- ۱۰- استفاده از جایگاه و درجه برای تحمیل عقاید شخصی.
- ۱۱- خلأ قانون و ضابطه و لاجرم توسل به اجبار و اعمال سلیقه‌های شخصی.
- ۱۲- نداشتن بینش و تفکر سیستمی به سازمان و همه جانبه نگرستن به پدیده‌ها.
- ۱۳- مقاومت در برابر تغییرات مثبت.
- ۱۴- نداشتن برنامه و برنامه‌ریزی برای چگونگی حرکت سازمان.
- ۱۵- نداشتن هدف و سیاست کاری و ابتلا به روزمره‌گی و ترویج این فکر غلط که «چو فردا شود فکر فردا کنیم».
- ۱۶- عدم توجه به آموزش و به خصوص متون آموزشی و متناسب‌سازی آن با نیازمندی‌های سازمان.
- ۱۷- نبود سیستم منطقی تشویق و تنبیه به عنوان مثال چنانچه مربی نمونه براساس ضوابط و اصول مدون انتخاب نگردد و با اعمال سلیقه و رابطه این مهم صورت گیرد نتیجه آن از بین رفتن روحیه، انگیزه، تحرک، پویایی و نوآوری و بلوغ می‌گردد و نهایتاً بی‌سواد می‌گردد.

۱- چرا می‌گویید آنچه را که خود بدان عمل نمی‌کنید. همانا گناه بزرگی است نزد خدا که آدمی بگوید آنچه را خود به آن عمل نمی‌نماید.

- ۱۸- داشتن تفسیر و تدبیرهای متفاوت در مراکز مختلف از قوانین.
- ۱۹- ارسال ابلاغیه‌ها و بخشنامه‌های متعدد که هیچ‌گاه ضمانت اجرا ندارد.
- به عنوان نمونه بخشنامه‌های متعدد ابلاغ می‌گردد که فلان روز در ماه، روز نگهداری است و فرماندهان موظفند از واحدهای تحت امر خود نظارت جدی و دقیق به عمل آورند و سالها می‌گذرد و هر سال این بخشنامه ابلاغ می‌گردد اما هیچ‌کس برای بازدید مراجعه نمی‌کند. این نمونه و نمونه‌های دیگر بی‌تفاوتی و ارزش قائل نشدن برای فرماندهان و به اصطلاح لوث شدن و کوچک شدن فرماندهی را در پی خواهد داشت.
- ۲۰- اختلاف‌های طبقاتی فاحش در حقوق، زندگی و چگونگی بهره‌مندی از امکانات سازمانی.
- ۲۱- عدم توجه به آرا و نظرات مختلف افراد.
- ۲۲- عدم توجه به روحیه و انگیزه افراد متناسب با سطح سازمانی آن.
- ۲۳- عدم توجه به گذشته و نداشتن سازکار مناسب برای انتقال تجربیات به پیکره سازمان و به خصوص نسل جدید که دوران جنگ را ندیده‌اند.
- ۲۴- خودسانسوری و عدم جریان مناسب اطلاعات و لاجرم پدید آمدن شایعات و جوسازمانی منفی.
- ۲۵- عدم توجه به عواملی که نیروها را در سازمان ملاحظه‌کار، محافظه‌کار و نان به نرخ روز خود و نهایتاً سرخورده و بی‌تفاوت نسبت به مسائل کاری و سازمان در می‌آورد.
- ۲۶- عدم توجه به استعدادها و توان علمی و عملی نیروها و بی‌توجه شدن به شایسته‌سالاری و در کنار متعهد به محوری در انتصابات.
- ۲۷- غرق شدن در امور اداری و کارتابل‌های نامه‌ها و یا محدود شدن به جلسات و عدم توجه به محیط اطراف.
- ۲۸- وجود رفتارهایی که موجب بروز فاصله و شکاف بین پیکره و بدنه سازمان با سلسله مراتب فرماندهی می‌گردد.
- ۲۹- ارزش شدن مسائل و مواردی که هرگز جزء ارزشها نبوده و نیستند. به عنوان مثال، داشتن جایگاه، تلفن همراه و خودرو مدل بالا و ... که سطح فکر و نگرش را به شدت تنزل بخشیده و نبوغ و خلاقیت را نیز در همین راستا ترویج می‌کند و بالاجبار افراد برای بقاء خود مجبور به پذیرش ذلت و متوسل شدن به تملق و چاپلوسی برای رسیدن به این مسائل غیرارزشی گردیده و نهایتاً عزت نفس و اعتماد به نفس در افراد را از بین می‌رود و موتور حرکت آنها سمت و سوی غیر خلاق خواهد گرفت.
- ۳۰- عدم وجود گردش مشاغل ثابت سازمانی برای سال‌های متمادی به گونه‌ای که افراد به مرور زمان دچار رکود و یکنواختی گردیده، به روزمرگی عادت می‌نمایند و این قضیه افراد را

از خلاقیت و نبوغ و نوآوری دور نموده و نهایتاً سازمان را به رکود و سکون هدایت می‌کنند.

۳۱- شکل‌گیری گروه‌های غیررسمی قوی به دلیل نبود گردش جغرافیایی و سازمانی که این امر به مرور زمان افراد را در مقابل تغییرات مثبت دچار مقاومت‌های هدایت شده نموده و به نوبه خود سازمان را با رکود و درجا زدن مواجه می‌کند.

۳۲- عدم انعکاس گزارش بازرسی‌های به عمل آمده از یگان‌ها و رده‌ها و تحت تأثیر قرار گرفتن بازرسین به واسطه وجود روابط غیررسمی در سازمان و نهایتاً مخفی ماندن عیوب و عدم اصلاح ساختارها و روابط سازمانی.

۳۳- کم شدن آموزش‌ها و کمرنگ شدن کیفیت آن و کوتاه شدن زمان آموزش‌ها افراد فارغ‌التحصیل در مقاطع مقدماتی و عالی را فاقد کارایی و کارآمدی تربیت می‌نماید و نبود فرصت کافی برای تعمیق آموزش‌ها حافظه محوری را به دنبال خواهد داشت که مانع جدی در امر خلاقیت به حساب می‌آید (نداشتن فرصت اندیشیدن و کار عملی).

۳۴- بوروکراسی منفی اداری و انجام مراحل اداری عادی به گونه‌ای پیچیده و با صرف وقت زیاد نیز عامل دیگری است که خلاقیت و نوآوری را در سازمان کمرنگ می‌کند.

۳۵- کمرنگ شدن ذکر و یاد خدا و غفلت از مرگ و به یاد معاد نبودن جهت تلاش‌ها را از سمت و سوی الهی خارج و به سوی امور دنیوی سوق می‌دهد و اهداف عالی به اهداف کوچک مبدل شده و لذا تلاش‌ها و خلاقیت دینی در راستای اعتلای سازمان به فراموشی سپرده شده و در نهایت نابودی سازمان را به دنبال خواهد داشت.

۳۶- کمرنگ شدن و جایگزین شدن نظارت ستادی و اداری به جای نظارت و بازرسی‌های الهی که خود کنترلی از نتایج آن بود، چرا که افراد همواره و در هر حال خدا را می‌دیدند و این مهم در مکاتبات و تخصیص‌ها، عزل و نصب‌ها، مأموریت‌ها، امکانات و هزینه‌ها و چگونگی برخورد با مراجعین و کار به طور مستقیم نقش مثبت داشت. اما وقتی این مهم به نظارت‌ها و بازرسی‌ها سازمان تنزل پیدا نمود افراد وظایف خود را برابر میل و خوشایند بازرسین و تنها در مواقع بازرسی انجام می‌دهند و لذا خلاقیت‌ها نیز کمرنگ می‌شوند و ...

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث نظری و تئوری ارائه شده به همراه تجربیات و مطالعات صورت گرفته می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که:

تفسیر و تحلیل خلاقیت‌های دوران دفاع مقدس جدای از مبانی فلسفی و ارزشی

شکل‌گیری شخصیت، رفتار و اندیشه فرماندهان و مدیران جنگ به ویژه فرمانده کل قوا، حضرت روح‌الله (ره) به عنوان معمار بزرگ انقلاب اسلامی امری بیهوده و عبث خواهد بود و نتیجه‌ای که به دست می‌آید نمی‌تواند با واقعیت‌ها همخوانی داشته باشد. جهان‌بینی الهی در فرهنگ شیعی و ویژگی‌های خاصی دارد که در رفتار تابعین آن سخت متجلی است و به وضوح دیده می‌شود.

فرماندهان هشت سال دفاع مقدس به دلیل بهره‌مندی و ارتزاق از فرهنگ اسلامی شیعی و ویژگی‌هایی را در خود جمع نموده‌اند که فراتر از ویژگی‌های انسان‌های با خلاقیت بالا محسوب می‌شود. در تحلیل چهره‌های درخشان و تابناکی که با شهادت خود جاودانه گردیدند. مانند شهید چمران شهید همت، شهید باکری، شهید خرازی، شهید زین‌الدین، شهید صیاد شیرازی و ... ویژگی‌های متعالی به چشم می‌خورد که تنها در مکتب حیات‌بخش اسلام شیعی می‌توان آنها را سراغ گرفت. ویژگی‌هایی نظیر عزت نفس، شجاعت، تلاش و سعی وافر، تقوی، خودسازی، ترس از خدا، امیدواری به فضل و عنایات حق تعالی، کرامت نفس، اخلاق نیکو، اعتماد به نفس، تبعیت، ریسک‌پذیری و پذیرش مسؤلیت‌های سنگین، میدان دادن به نیروها، بهره‌گیری از نظرات و ایده‌های افراد، درگیر نشدن در امور اداری و بوروکراسی منفی، تحت تأثیر قرار نگرفتن ارتباطات آنها با مردم تحت الفاظی نظیر سلسله مراتب، بی‌توجه به امور مادی و وصل به بی‌نیاز مطلق، داشتن بصیرت و تهی بودن ذهن و قلب آنها از هر گونه آلودگی و تعصب‌های جاهلی و دهها و صدها صفات دیگر آنها را به پاره‌هایی از آهن تبدیل نموده بود که یکپارچه صفا، نورانیت و تلاش بودند و خستگی در گام‌های با صلابت آنها خسته شده بود.

شناخت این ویژگی‌ها که به صورت خیلی مختصر ارائه گردید، ما را در شناخت موانع و عوامل تضعیف‌کنند خلاقیت دینی و ارزشی رهنمون می‌باشد. از این رو، نویسنده تلاش نموده علی‌رغم نبود امکان تفسیر و توضیح بیشتر و ارائه مثال‌هایی برای هر کدام از مباحث طرح شده، موانع خلاقیت را در مجموعه‌های نظامی به طور مختصر توضیح دهد که از این میان می‌توان به رفع تبعیض، توجه به نظرات جدید، توجه به پویایی و تغییرات مثبت محیطی، ایجاد بصیرت و تقویت بنیه‌های دینی، تبدیل نمودن اهداف متعالی به هدف‌های جزئی و کوچک و از بین رفتن انگیزه‌ها اشاره نمود. امید که این مختصر ذره‌ای از آن اشارت‌ها و درخشش‌ها را نمایان ساخته باشد.

دل گرچه در این وادیه بسیار شتاف
 اندر دل من هزار خورشید بتافت

یک موی ندانست ولی موی شکافت
 و آخر به کمال ذره‌ای راه نیافت

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- صحیفه نور.
- ۴- جرداق، جرج. *شگفتی‌های نهج البلاغه*؛ ترجمه فخرالدین حجازی، انتشارات بعثت.
- ۵- رابینز، استیفن. *مدیریت رفتار سازمانی*؛ ترجمه محمدعلی اعرابی، مؤسسه پژوهش‌های بازرگانی.
- ۶- لوبوف، مایکل. *بزرگ‌ترین اصل مدیریت در دنیا ایران*؛ ترجمه مهدی نژادپاریزی، نشر مترجم.
- ۷- رضایان، علی. *اصول مدیریت*؛ انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
- ۸- آلن بودو، *خلاقیت در آموزشگاه*؛ ترجمه علی خانزاده، شرکت سهامی چهر، ۱۳۵۸.
- ۹- الوانی، سیدمهدی. *خویش‌شناسی مدیران*؛ نشر نی، چاپ اول، سال ۱۳۷۱.
- ۹- خلیلی شورینی، سیاوش. *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*؛ مؤسسه یادواره کتاب، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۱۰- فیلیپ جی، اسمیت. *ذهنیت فلسفی*؛ محمدرضا برنجی، ناشر مترجم، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۱۱- کدیور، دکتر پروین. *روانشناسی تربیتی*.